Vol. 11, No 2, Autumn & Winter 2022 ISSN(Print): 2251-6352 ISSN(Online): 2423-4265

Research in Clinical Psychology and Counseling

https://tpccp.um.ac.ir

Research Article DOI: 10.22067/tpccp.2022.67725.1005



# Predicting the Occurrence of High-Risk Behaviors based on Behavioral-Psychological Control and Helicopter Parenting in Emerging Adulthood

Fariborz Sedighi Arfaee[1], Alireza Rashidi[2], Reyhaneh Tabesh[3]

Recived: 9/3/2021 Accepted: 27/4/2022

**Abstract**

**Purpose**: The purpose of this study was to predict the occurrence of high-risk behaviors based on behavioral and psychological control of parents and helicopter parenting in emerging adulthood.

**Method**: This research was a descriptive-correlational study. The statistical population consisted of all undergraduate students of Kashan University in the academic year of 2019-2020, of which 375 individuals were selected using the cluster sampling method. To collect data, several scales were used including: the Behavioral Control Scale, Psychological Control Scale, Helicopter Parenting Scale, and the Questionnaire of High-Risk Behaviors. The data were then analyzed using SPSS software in two parts: descriptive and inferential (Pearson correlation coefficient and multiple regression) sections.

**Findings**: The correlation results showed that high-risk behaviors are significantly correlated with behavioral control, psychological control, and helicopter parenting. The results of regression analysis also showed that among the three factors tested in this study, parental psychological control and behavioral control significantly predict high-risk behaviors in emerging adults. According to the results of this study, to prevent high risk behaviors, it is necessary to increase the awareness of parents and provide appropriate training to improve their skills in the field of raising children.

**Keywords**: High-risk behaviors, Psychological control, Behavioral control, Helicopter parenting, emerging adulthood

**Citation:** Sedighi arfaee, F., Rashidi, A., Tabesh, R. (2022). Predicting the Occurrence of High-Risk Behaviors based on Behavioral-Psychological Control and Helicopter Parenting in Emerging Adulthood. Research in Clinical Psychology and Counseling, 11(2), 77-94. doi: 10.22067/tpccp.2022.67725.1005

1. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author), Email: fsa@kashanu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Counseling, Razi University, Kermanshah, Iran
3. Master student in psychology, Kashan University, Kashan, Iran

**پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره**

https://tpccp.um.ac.ir

| مقاله پژوهشی | DOI: 10.22067/tpccp.2022.67725.1005 | دسترسی آزاد |
|---|---|---|

# پیش‌بینی بروز رفتارهای پرخطر بر اساس کنترل رفتاری و روان‌شناختی والدین و والدگری هلیکوپتری در بزرگ‌سالی نوظهور

فریبرز صدیقی ارفعی[۱]، علیرضا رشیدی[۲]، ریحانه تابش[۳]

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۹    تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۷

## چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی بروز رفتارهای پرخطر بر اساس کنترل رفتاری و روان‌شناختی والدین و والدگری هلیکوپتری در بزرگ‌سالی نوظهور انجام شد.

**روش:** روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی دانشجویان در حال تحصیل مقطع کارشناسی دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ بودند که از این میان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۳۷۵ نفر انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های نظارت والدینی، کنترل روان‌شناختی، والدگری هلیکوپتری و پرسشنامه رفتارهای پرخطر استفاده شد. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS-20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) انجام گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون همبستگی نشان داد که میان کنترل رفتاری، کنترل روان‌شناختی، والدگری هلیکوپتری و رفتارهای پرخطر رابطه مثبت وجود دارد. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان عوامل فوق، کنترل رفتاری و کنترل روان‌شناختی والدین  پیش بینی کننده معنادار رفتارهای پرخطر در بزرگ‌سالان نوظهور هستند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، جهت پیشگیری از رفتارهای پرخطر، موضوع آگاه ساختن والدین و ارائه‌ی آموزش‌های مناسب جهت افزایش مهارت های آنها در امر فرزندپروری ضروری است.

**واژه‌های کلیدی:** رفتارهای پرخطر، کنترل روان‌شناختی، کنترل رفتاری، والدگری هلیکوپتری، بزرگ‌سالی نوظهور

۱ .دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، (نویسنده مسئول)، fsa@kashanu.ac.ir

۲ . دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، alirezarashidi40@gmail.com

۳ . دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، reyhanetabesh@yahoo.com

## مقدمه

هم‌زمان با رشد سریع فنّاوری و پیشرفت‌های روزافزون بشری، مراحل جدیدی در گستره‌ی تحول انسان در حال ظهور است (Mohammadi et al., 2019). با توجه به اینکه نقش‌ها و مسئولیت‌های دوران بزرگ‌سالی گسترده و پیچیده‌تر شده و نوجوانان برای ورود به دوره بزرگ‌سالی نیازمند توانمندی‌ها و مهارت‌های پیشرفته‌ای هستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در گستره‌ی تحول، نیازمند دوره‌ای در حدفاصل نوجوانی و بزرگ‌سالی هستیم تا نوجوانان از فرصت لازم به‌منظور کسب آمادگی برای ورود به دوره بزرگ‌سالی برخوردار شوند (Sigelman & Rider, 2018). جدیدترین نظریه‌ای که به بررسی دوره تحولی بزرگ‌سالی می‌پردازد، نظریه تحولی ظهور بزرگ‌سالی آرنت است که تحول انسان را در بافت فرهنگی آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. آرنت در سال ۲۰۰۰، به جهت تبیین تحولات اجتماعی و اقتصادی اواخر قرن بیستم، مرحله‌ی جدیدی از زندگی را برای دوره‌ای از اواخر نوجوانی تا اواخر دهه‌ی بیست، با تأکید بر بازه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال و در قالب نظریه‌ی بزرگ‌سالی در حال ظهور[1] مطرح کرده است. گسترده شدن نقش‌های بزرگ‌سالی و تغییراتی از جمله طولانی شدن زمان تحصیل، افزایش سن ازدواج و والد شدن و طولانی شدن زمان انتقال به شغل پایدار، لزوم طرح این مرحله‌ی جدید از زندگی در بین نوجوانی و اوایل بزرگ‌سالی را روشن می‌سازد. بزرگ‌سالی نوظهور یک برهه‌ی حساس در زندگی انسان است و به دلیل اتفاقاتی که در آن می‌افتد، بیشتر از سایر دوره‌های زندگی هویت فرد و نحوه عملکرد او را تا پایان عمر شکل می‌دهند (Tanner, 2006). از ویژگی‌های اصلی این دوره رشدی، ماهیت اکتشافی و آزمودن و کسب تجربه است؛ دوره‌ای است که در آن افراد بر رشد شخصی‌شان تمرکز می‌کنند، نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید را می‌پذیرند و مهارت‌های اجتماعی لازم را برای بر عهده گرفتن آن نقش‌ها فرامی‌گیرند (Hejazi et al., 2019)؛ لذا، اگر الگویی دقیق، روشن و همه‌جانبه در زمینه رفتار مناسب و درست برای او تعریف و مشخص نشده باشد، او خود به آزمایش نقش‌های گوناگون دست می‌زند و در برخی موارد به نادیده گرفتن قواعد می‌پردازد که ممکن است به انجام رفتارهای پرخطر منجر شود (Shokri et al., 2015). رفتارهای پرخطر[2] مجموعه رفتارهایی هستند که سلامت و بهزیستی جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی افراد و جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد (Zade Mohammadi et al., 2010) و یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی اجتماعی است که بیشتر کشورهای جهان به‌نوعی با آن درگیر هستند و مشکلات گسترده و شدیدی

1. emerging adulthood
2. high risk behaviors

را بر جوامع تحمیل می‌نمایند؛ لذا، بررسی آن‌ها از حیث پیامدهایی که برای زندگی، سلامتی و رشد روانی و اجتماعی افراد دارد، حائز اهمیت است. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی (Goldstein et al., 2007)، انگیزه‌ی پایین تحصیلی و پیشرفت تحصیلی کمتر، درگیری در جرائم گوناگون و گرایش بیشتر به خودکشی (Adibnia et al., 2016). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بخش عمده‌ای از رفتارهای پرخطر از جمله مصرف سیگار، الکل، مواد مخدر و رفتارهای جنسی ناایمن در سنین قبل از ۱۸ سالگی شروع می‌شود (Bergman & Scott, 2001). برای مثال برخی مطالعات نشان داده‌اند که بیش از ۹۰ درصد از مصرف‌کنندگان مواد مخدر، مصرف مواد را از نوجوانی آغاز می‌کنند. شروع زودهنگام، مصرف بیشتر، مداوم و استفاده از مواد خطرناک‌تر را افزایش می‌دهد (Swadi, 2000). پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز بیانگر آن است که در سال‌های اخیر رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان و جوانان شیوع بیشتری پیدا کرده و روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد (Adibnia et al., 2016)؛ بنابراین، شناسایی عوامل خطرزا در میان نوجوانان و جوانان و تمرکز بر علل پدید آیی این‌گونه رفتارها، به‌منظور برنامه‌ریزی دقیق جهت پیشگیری و کنترل آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر اساس نظریه شناخت اجتماعی، بروز و گسترش رفتارهای پرخطر ممکن است با محرک‌های بیرونی (به‌عنوان‌مثال خانواده، مدرسه، همسالان) و عوامل درونی (مانند ویژگی‌های فردی، خودکارآمدی، خودتنظیمی، کنترل هیجانی) مرتبط باشد (Perry et al., 1990). شیوه‌های والدگری به‌عنوان یک عامل بیرونی معمول و غیرقابل اجتناب، ارتباط نزدیکی با رشد رفتاری در کودکان و نوجوانان دارد (Ju et al., 2020). شیوه‌های والدگری، به‌عنوان شیوه‌ای خاص در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان، شامل مجموعه‌ای از رفتارها است که تعاملات والد-فرزند را در طول دامنه‌ی گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند (Hosseinian et al., 2008). زمانی که سبک‌های والدگری از لحاظ مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب باشد، بستر تحول نامناسب فراهم شده و زمینه را برای بروز رفتارهای آسیب‌زا ایجاد می‌کند؛ لذا، شیوه‌های ناکارآمد والدگری یکی از عواملی است که می‌تواند ارتباط مستقیمی با بروز رفتارهای پرخطر داشته باشد. در دوره‌ی تحولی بزرگ‌سالی نوظهور، به دلیل عدم شفافیت نقش والدین و فرزندان در این برهه، پیش‌بینی سطح بهینه نظارت و کنترل والدین و نوع رابطه والد-فرزندی دشوار است (Padilla-Walker et al., 2014). افراد در دوره‌ی بزرگ‌سالی نوظهور در عین نیاز به خودمختاری و استقلال، همچنان نیاز به حمایت و مشارکت والدین دارند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که والدین با حفظ احترام به استقلال و اکتشافات هویتی نوجوان، عمل سختی را در زمینه‌ی پشتیبانی از فرزندان خود در این برهه‌ی زمانی دارند (Padilla-Walker

& Nelson, 2012). در نظر گرفتن خودمختاری و استقلال و پرورش روحیه‌ی همکاری در فرزندان می‌تواند منجر به ایجاد کفایت، خود ارزشی، ادراک شایستگی بیشتر و در نتیجه عزت‌نفس بیشتر در فرزندان شود (Sandi et al., 2013). از سوی دیگر رفتارهای خشک و افراطی کنترل‌کننده‌ی والدین در این دوره‌ی تحولی، با مشارکت بیشتر فرزندان در رفتارهای پرخطر همراه است و باعث می‌شود آن‌ها راه‌های مختلفی را برای افزایش استقلالشان از والدین به کارگیرند. سه جنبه از کنترل‌گری‌های والدین عبارت است از: کنترل رفتاری[1]، کنترل روان‌شناختی[2] و والدگری هلیکوپتری[3] (Romm et al., 2020).

کنترل رفتاری به طور خاص شامل استفاده والدین از قوانین و نظارت بر کودک به‌منظور مدیریت و کنترل رفتار آن‌ها است (Bean et al., 2006). کنترل رفتاری یا نظارت والدینی یک سازه‌ی فرضی روان‌شناختی است که برای توصیف ترکیبی از رفتارهای والدین شامل آگاهی، گفتگو، نگرانی و پیگیری رفتار فرزندشان به کار می‌رود (Patock-Peckham et al., 2011). بنا به تعریف بیابانگرد (Biabangard, 2011) نظارت والدین به میزان سختگیری معیارهای ارائه شده از سوی والدین اشاره دارد؛ اینکه والدین بدانند فرزندشان اوقات خود را چگونه و با چه کسانی سپری می‌کند. کنترل رفتاری، به‌ویژه در ترکیب با حمایت و گرمی والدین، با نتایج مثبت عاطفی، روانی و اجتماعی در دوره کودکی و نوجوانی همراه است (Aunola et al., 2000; Barber et al., 2005; Bean et al., 2006) و می‌تواند در کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر در این دوران تأثیرگذار باشد (Tilton-Weaver et al., 2013). پردل (Pordel, 2015) نیز در پژوهشی به بررسی اثربخشی نظارت والدین بر میزان خطرپذیری نوجوانان پرداخت و دریافت که نظارت والدین نقشی حفاظت‌کننده در برابر گرایش به رفتارهای پرخطر دارد. با این‌حال، شواهدی وجود دارد که هرچه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند و به دوران جوانی می‌رسند، دورانی که داشتن استقلال و آزادی عمل بیشتری انتظار می‌رود، سطح بالای کنترل رفتاری والدین، رفتارهای مخاطره‌آمیز و مشکلات رفتاری بیشتر را در فرزندان پیش‌بینی می‌کنند (Goldstein et al., 2005). نلسون و پادیلا–واکر (Nelson & Padilla-Walker, 2013) نیز اظهار داشتند که کنترل رفتاری به‌طورکلی برای بزرگ‌سالی نوظهور مشکل‌ساز است، زیرا شامل سطوح نامناسب کنترل و نظارت بر رفتار فرزندان است. روم، باری و الویس (Romm et al., 2020) در پژوهش خود به بررسی رابطه والدگری و رفتارهای پرخطر در بزرگ‌سالی نوظهور در افراد طبقات بالای اقتصادی–اجتماعی پرداختند و دریافتند که کنترل رفتاری بالا از سوی والدین، با سطح بالاتر رفتارهای

1. behavioral control
2. psychological control
3. helicopter parenting

پرخطر در این دوره همراه است. نلسون و پادیلا واکر (Padilla-Walker & Nelson, 2012) نیز در پژوهش خود بر روی دانشجویان نشان دادند که والدینی که نمرات بالایی در شاخص‌های کنترل رفتاری کسب کردند دارای فرزندانی با بیشترین پیامدهای منفی بودند از جمله میزان پایین نزدیکی والد–فرزندی و میزان افسردگی، اضطراب و تکانش گری بالاتر.

از سوی دیگر، کنترل روان‌شناختی شامل فشار والدین به فرزندشان برای فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن به روش‌هایی است که با افکار، احساسات و رفتارهای والدین سازگار و هماهنگ باشد؛ بنابراین، کنترل رفتاری بر کنترل رفتارها و فعالیت‌های فرزندان تأکید دارد، درحالی‌که کنترل روانی بر دخالت در دنیای درونی آن‌ها (Barber, 1996). در کنترل روان‌شناختی، والدین با دخالت بیش‌ازحد رشد روانی–اجتماعی فرزندشان تحلیل برده و توانایی آن‌ها را برای کسب استقلال و کسب هویت شخصی کاهش می‌دهند (Azadian Bojnordi et al., 2019). یافته‌های مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که کنترل روان‌شناختی با پاسخ‌های ضعیف‌تر به استرس (Abaied & Emond, 2013)، سطوح پایین‌تر تنظیم هیجانی (Manzeske & Stright, 2009)، سطوح ناکارآمد وابستگی و استقلال (Kins et al., 2012)، افسردگی و اضطراب بیشتر و مشکلات بیشتر در محل کار (Desjardins & Leadbeater, 2017) مرتبط است. هم‌چنین پژوهش فاهرتی، لو و ارنت (Faherty et al., 2020) نشان داد که کنترل روان‌شناختی والدین با میزان بالاتر مشارکت در رفتارهای پرخطر و سطح پایین‌تر اعتمادبه‌نفس همراه است. نتایج پژوهشی دیگر که به بررسی رابطه کنترل روان‌شناختی والدین و مشکلات رفتاری در نوجوانان پرداخته، نشان داد که کنترل روان‌شناختی والدین به‌طور مثبت با سوءمصرف مواد و رفتارهای پرخطر سایبری مرتبط است (Romm & Metzger, 2018). پژوهش اودکرک و همکاران (Oudekerk et al., 2014) نیز به طور غیرمستقیم به تأثیر کنترل روان‌شناختی والدین بر رفتارهای پرخطر جنسی در نوجوانان اشاره دارد.

اصطلاح والدگری هلیکوپتری که به‌تازگی به‌عنوان یک شکل منحصربه‌فرد از کنترل والدین به رسمیت شناخته‌شده است، فرصت‌های رشد مهارتی را در فرزندان در سنین مختلف محدود می‌کند (Padilla-Walker & Nelson, 2012; Romm et al., 2020; Willoughby et al., 2015). والدین هلیکوپتر در هر مرحله و مقطع زندگی، از دوره مدرسه تا دانشگاه، تحصیلات تکمیلی و حتی در طول زندگی حرفه‌ای، تمایل به مدیریت زندگی فرزند خود را دارند (Zhao, 2012). این والدگری به‌طور خاص، دربرگیرنده حمایت/گرمی بالا، کنترل بالا و استقلال دهی پایین است. تفاوت«والدگری هلیکوپتری» با سایر اشکال کنترل‌گری والدین در این است که این، شکل خالصی از کنترل روان‌شناختی نیست و منعکس‌کننده برخی

از جنبه‌های کنترل رفتاری به همراه سطح بالایی از صمیمیت و حمایت و همچنین محدودسازی شدید استقلال فرزند است که ابداً با سن او همخوان نیست (Padilla-Walker & Nelson, 2012). با وجودی که رسانه‌ها اغلب تصویر والدین هلیکوپتری را به‌عنوان پدر و مادر عاشقی که با توجه زیاد به فرزندانشان شناخته می‌شوند، نشان داده‌اند، مطالعات انجام شده حاکی از آن است که برخی ابعاد والدگری هلیکوپتری ناسازگارانه بوده و پیامدهای نامطلوبی به همراه دارد (Padilla-Walker et al., 2021). تأثیر والدگری هلیکوپتری بر سلامت روان فرزندان می‌تواند به شکل سطح بالاتر خودشیفتگی و اضطراب، افسردگی، خودکارآمدی پایین و موفقیت تحصیلی کمتر و مهارت‌های ارتباطی و مقابله‌ای ضعیف بروز کند (Segrin et al., 2013). هم‌چنین نتایج پژوهشی با عنوان «بررسی مسائل و مشکلات مرتبط با والدگری هلیکوپتری»، نشان داد که والدگری هلیکوپتری با خطر ابتلا به افسردگی و وابستگی بیشتر به والدین همراه است (Okray, 2016). شیفرین و همکاران (Schiffrin et al., 2014) نیز در مطالعه‌ای با هدف بررسی اثرات والدگری هلیکوپتری بر سلامت روان دانشجویان، دریافتند که رفتارهای والدین هلیکوپتر با افسردگی بالاتر و کاهش رضایت از زندگی در دانشجویان همراه است. این نتایج، تکمیل‌کننده یافته‌های پژوهش‌های قبلی است که از افزایش استفاده از داروهای تجویزی و غیر تجویزی برای افسردگی در میان دانشجویانی که داشتن والدین هلیکوپتری را گزارش داده‌اند، خبر دادند (LeMoyne & Buchanan, 2011). کوئی و همکاران (Cui et al., 2019) نیز در مطالعه‌ای به بررسی رابطه والدگری هلیکوپتری، خودتنظیمی و مصرف الکل در میان دانشجویان پرداختند و نشان دادند که والدگری هلیکوپتری به طور غیرمستقیم با سوءمصرف الکل مرتبط است. مک‌گینلی و داویس (McGinley & Davis, 2020) در پژوهشی با عنوان رابطه والدگری هلیکوپتری و سوءمصرف الکل در بین دانشجویان با نقش تعدیل‌کنندگی درآمد خانواده دریافتند که والدگری هلیکوپتری با افزایش میزان مصرف الکل در میان دانشجویان پردرآمد همراه است.

با توجه به پیامدهای گسترده و آسیب‌زای رفتارهای پرخطر و اهمیت نهاد خانواده به‌عنوان یک عامل اصلی در پرورش فرزندان سالم و هم‌چنین فقدان پیشینه پژوهشی کافی در خصوص دوره بزرگ‌سالی نوظهور و نقش‌های والدینی در این دوره، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رفتارهای پرخطر از طریق کنترل‌های والدینی (کنترل رفتاری، کنترل روان‌شناختی و والدگری هلیکوپتری) در بزرگ‌سالی نوظهور است.

## روش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است که در آن پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر

اساس کنترل‌گری‌های والدینی (کنترل رفتاری، کنترل روان‌شناختی و والدگری هلیکوپتری) موردبررسی قرارگرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۹–۹۸ بود. به‌منظور انتخاب گروه نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. بدین‌صورت که ابتدا به‌طور تصادفی از میان دانشکده‌های دانشگاه کاشان، دو دانشکده علوم انسانی و ادبیات و زبان‌های خارجی انتخاب و سپس از هر دانشکده ۶ کلاس مورد گزینش قرار گرفتند. بعد از اخذ رضایت از دانشجویان جهت شرکت در پژوهش حاضر تعداد ۳۸۶ پرسشنامه توزیع گردید که از این میان تعداد ۳۷۵ پرسشنامه شرایط ورود به تحلیل آماری را دارا بودند. پرسشنامه‌های مورداستفاده در زیر شرح داده شده است.

**پرسشنامه رفتارهای پرخطر**[1]: این پرسشنامه توسط زاده محمدی و همکاران (Zade Mohammadi et al., 2010) جهت سنجش میزان خطرپذیری در نوجوانان در ابعاد مختلف طراحی‌شده که دارای ۳۸ گویه است. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) انجام می‌شود و نمرات بالاتر نشان‌دهنده خطرپذیری بیشتر است. میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰/۹۴ گزارش شده است. هم‌چنین روایی سازه این مقیاس مورد ارزیابی قرار گرفت و تحلیل عاملی اکتشافی با مؤلفه‌های اصلی نشان داد که این پرسشنامه ۶۴/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند.

**پرسشنامه والدگری هلیکوپتری**[2]: مقیاس بیش‌درگیری والدینی یا والدگری هلیکوپتری توسط لیمون و بوچانان (LeMoyne & Buchanan, 2011) ساخته‌شده و دارای ۱۰ ماده است و برای ارزیابی باورهای نوجوانان در مورد چگونگی درگیری والدین در زندگی‌شان، تدوین شده است. شیوه نمره‌دهی سؤالات این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای است. در پرسشنامه اصلی از ۱۰ گویه، ۷ گویه دارای بار عاملی بودند؛ اما در پژوهش مهبد و فولادچنگ (Mahbod & Fouladchang, 2018) هر ۱۰ سؤال دارای بار عاملی شدند و بررسی روایی آن به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، نتایج قابل قبولی را به دست داده است. در این پژوهش شاخص‌های نیکویی برازش مدل شامل مجذورکای، نسبت مجذورکای به درجه آزادی، ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، شاخص برازش هنجارشده، شاخص برازش تطبیقی، شاخص برازش افزایشی و شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده، به ترتیب برابر ۷۲/۸۱۳، ۲/۸۰، ۰/۰۶، ۰/۹۲، ۰/۹۵، ۰/۹۵، ۰/۹۵ به دست آمده که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. از سوی دیگر تحلیل عاملی گویه‌های این

1 questionnaire of high-risk behaviors
2 helicopter parenting scale

مقیاس در پژوهش حاضر که بر روی ۶۰ دانشجو انجام گرفت نیز تأییدکننده بار عاملی همه‌ی گویه‌های مذکور است که خلاصه نتایج آن نیز در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون KMO و بارتلت

| آزمون KMO (کایزر-مایر-الکین) | آزمون بارتلت | | |
| --- | --- | --- | --- |
| | خی دو | df | p |
| ۰/۸۶ | ۲۶۳/۵۷۲ | ۴۸ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود (KMO=۰/۸۶)، حجم نمونه برای تحلیل عاملی کفایت می‌کند. در گام بعدی و بر اساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی، چنانچه مقدار بار عاملی صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودن آن بالاتر از ۰۳/ یا ۰/۴ باشد، آن ماده در آزمون حفظ می‌شود (Sharifi, 2019)؛ بنابراین، با توجه به نتایج بار عاملی که خلاصه آن در جدول ۲ گزارش شده است، هر ۱۰ گویه دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۴ بودند و لذا در پرسشنامه نهایی حفظ شدند.

جدول ۲: قدر مطلق بار عاملی گویه‌ها

| سؤال | بار عاملی |
| --- | --- |
| اول | ۰/۷۰ |
| دوم | ۰/۵۹ |
| سوم | ۰/۸۱ |
| چهارم | ۰/۴۶ |
| پنجم | ۰/۴۶ |
| ششم | ۰/۵۶ |
| هفتم | ۰/۸۴ |
| هشتم | ۰/۷۳ |
| نهم | ۰/۶۲ |
| دهم | ۰/۷۰ |

با توجه به ماهیت سؤالاتی که در مطالعه لیمون و بوچانن (LeMoyne & Buchanan, 2011) دارای بار عاملی نشدند (برای مثال؛ درگیری پدر و مادر در کارها و فعالیت‌های فرزند/ اهمیت قضاوت و نظر

والدین نسبت به نظرات و عقاید خود/ صحبت و مشورت کردن با والدین قبل از هرگونه تصمیم‌گیری) می‌توان چنین برداشت کرد که از آنجا که سبک‌های تربیتی والدین و نحوه‌ی تعامل والد-فرزند در بافت‌های فرهنگی-اجتماعی گوناگون، متفاوت است (Davoodi et al., 2018) و پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که در فرهنگ اروپایی و آمریکایی والدین کمتر به کنترل فرزندان می‌پردازند (Ramezani et al., 2018)، این کنترل پایین‌تر احتمالاً منجر می‌شود که فرزندانشان در کارها و تصمیم‌گیری‌هایشان آزادانه‌تر عمل کنند و این، از عواملی است که احتمالاً منجر به تفاوت ادراک نوجوانان از رفتارهای فرزندپروری والدین شود. از سوی دیگر در جامعه ایرانی و به‌طورکلی در برخی کشورهای خاورمیانه نقش خانواده پررنگ‌تر است و والدین تا سنین جوانی و حتی پس از آن، گاهاً در انتخاب‌ها و تصمیمات فرزندشان دخیل‌اند و کسب استقلال و خودمختاری از اهمیت متوسط (و نه بالا) برخوردار است (Madanipour et al., 2011)؛ بنابراین، سؤالات حذف‌شده در مطالعه اصلی لیمون و بوچانن (LeMoyne & Buchanan, 2011) می‌تواند در جامعه ایرانی باعث ایجاد ادراکات ناکارآمد از والدین توسط فرزندان شود و این یکی از دلایلی است که احتمالاً منجر به بار عاملی این سؤالات در نمونه‌ی ایرانی شده است.

ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۸ به دست آمد. لازم به ذکر است که این ضریب در پژوهش لیمون و بوچانان (LeMoyne & Buchanan, 2011) ۰/۷۱ گزارش شده است. مهبد و فولادچنگ (Mahbod & Fouladchang, 2018) نیز در پژوهش خود پایایی به روش آلفای کرونباخ را ۰/۷۵ محاسبه کرده‌اند.

**پرسشنامه سنجش کنترل رفتاری**[1]: برای این منظور از پرسشنامه نظارت والدینی سینگر و همکاران (Singer et al., 2004) استفاده شده است. این مقیاس دارای ۷ گویه و نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای صورت می‌گیرد. نمره‌ی کلی نشان‌دهنده‌ی میزان نظارت والدینی است و با افزایش نمره، نظارت والدینی نیز افزایش می‌یابد. سینگر و همکاران (Singer et al., 2004) در پژوهش خود آلفای کرونباخ ۰/۷۶ را برای این پرسشنامه گزارش کردند. در ایران نیز پرسشنامه حاضر توسط آلبوکردی و همکاران (Alboukordi et al., 2015) ترجمه و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۲ گزارش شده است.

**پرسشنامه سنجش کنترل روان‌شناختی**[2]: توسط سوننز و همکاران (Soenens et al., 2010) ساخته شد

1. behavioral control scale
2. psychological control scale

و میزان کنترل روان‌شناختی والدینی را می‌سنجد. این مقیاس شامل ۱۶ گویه است که در یک طیف لیکرت ۵ امتیازی (از به شدت مخالفم تا به‌شدت موافقم) تنظیم شده‌اند. این مقیاس در ایران توسط بادان فیروز، طباطبایی و ناجی (Badan Firooz et al., 2017) هنجاریابی شده و اعتبار آن بـا اسـتفاده از ضـریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش شده است.

## یافته‌ها

در مطالعه‌ی حاضر به طور کلی ۳۷۵ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه کاشان شرکت کردند که شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث بود. میانگین و انحراف استاندارد سنی گروه پسران به ترتیب ۲۰/۴۵ و ۲/۵۸ و برای دختران ۱۹/۵۶ و ۲/۱۲ به دست آمد. هم‌چنین کمترین سن شرکت‌کنندگان ۱۸ سال و بیشترین سن ۲۴ سال بود. در جدول ۳، شاخص‌های آمار توصیفی و همبستگی میان متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۳: میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیر | M | SD | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱. کنترل رفتاری | ۱۷/۷۶ | ۲/۹۹ | ۱ | | | |
| ۲.کنترل روان‌شناختی | ۵۲/۵۵ | ۷/۲۰ | ۰/۱۶۵*** | ۱ | | |
| ۳. والدگری هلیکوپتری | ۲۸/۱۱ | ۴/۲۸ | ۰/۱۷۸*** | ۰/۱۷۸*** | ۱ | |
| ۴. رفتارهای پرخطر | ۱۳۰/۶۵ | ۱۲/۱۱ | ۰/۱۲۵** | ۰/۱۳۳** | ۰/۱۰۳* | ۱ |

$^{*}p \leq ۰/۰۵$ $^{**}p \leq ۰/۰۱$ $^{***}p \leq ۰/۰۰۱$

همان‌گونه در جدول بالا مشاهده می‌شود، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان همه متغیرهای پژوهش رابطه مثبت وجود دارد. در گام بعد، برای پیش‌بینی بروز رفتارهای پرخطر بر اساس متغیرهای پیش‌بین از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. قبل از اجرای تحلیل رگرسیون، بررسی مفروضه‌های این تحلیل نشان داد که بین نمرات متغیرها حالت نرمال بودن چندگانه وجود داشت، روابط بین متغیرها خطی بود و هم‌خطی چندگانه نیز وجود نداشت. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جداول زیر آمده است.

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیونی

| مدل | R | $R^2$ | F | *p* |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۰/۳۸ | ۰/۱۴ | ۴/۲۱ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار *p* کمتر از ۰/۰۵ است و این نشان از معنی‌دار بودن مدل رگرسیون است. مقدار $R^2$ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین (کنترل رفتاری، روان‌شناختی و والدگری هلیکوپتری) در مجموع می‌توانند ۱۴ درصد از تغییرات بروز رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند.

جدول ۵: نتایج تحلیل ضرایب رگرسیون هم‌زمان متغیرهای پژوهش

| آماره / متغیرهای پیشین | B | SE | β | t | *p* |
|---|---|---|---|---|---|
| مقدار ثابت | ۱۰۸/۷۴ | ۶/۱۶ | – | ۱۷/۸۱ | ۰/۰۰۱ |
| کنترل رفتاری | ۰/۳۹ | ۰/۲۱ | ۰/۱۰۰ | ۱/۹۰ | ۰/۰۵ |
| کنترل روان‌شناختی | ۰/۱۷ | ۰/۰۸۹ | ۰/۱۰۸ | ۲/۰۴ | ۰/۰۴ |
| والدگری هلیکوپتری | ۰/۱۸ | ۰/۱۴۶ | ۰/۰۶۸ | ۱/۲۸ | ۰/۲۰ |

ضرایب بتا متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد از میان این عوامل، کنترل روان‌شناختی والدین (β=۰/۱۰، *p*≤۰/۰۵) ۱۰ درصد و کنترل رفتاری (β=۰/۱۰، *p* ≤ ۰/۰۵) نیز ۱۰ درصد از رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین والدگری هلیکوپتری از عوامل پیش‌بینی کننده تغییر در رفتارهای پرخطر نبود.

## نتیجه

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی بروز رفتارهای پرخطر بر اساس کنترل رفتاری و روان‌شناختی والدین و والدگری هلیکوپتری در بزرگ‌سالی نوظهور انجام شد. نتایج نشان داد که اگرچه هر سه جنبه کنترل‌گری با بروز رفتارهای پرخطر در سطح دو متغیری، ارتباط مثبت دارد اما هنگام ارزیابی هم‌زمان این سه نوع کنترل‌گری، تنها کنترل رفتاری و روان‌شناختی والدین پیش‌بینی کننده‌های مهم در تغییر رفتارهای پرخطر بودند. در خصوص پیشینه‌ی پژوهشی در ایران، پژوهشی که به بررسی رابطه کنترل‌های والدینی و رفتارهای پرخطر فرزندان در دوره بزرگ‌سالی نوظهور پرداخته شده باشد، یافت نشد و پژوهش‌های انجام شده به‌طور کلی به بررسی نقش والدین در بروز رفتارهای پرخطر در سنین کودکی و نوجوانی پرداخته‌اند؛ لذا، مقایسه‌های صورت گرفته با پژوهش‌های لاتین انجام شده در این خصوص صورت گرفت.

اولین یافته این پژوهش حاکی از این بود که بین کنترل رفتاری و بروز رفتارهای پرخطر رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد، بدین معنا که با افزایش کنترل رفتاری والدین، میزان رفتارهای پرخطر در دوره بزرگ‌سالی نوظهور افزایش می‌یابد. این یافته با پژوهش‌های روم، باری و الویس (Romm et al., 2020)و

نلسون و پادیلا–واکر (Nelson & Padilla-Walker, 2013) که بررسی خود را به دوره بزرگ‌سالی نوظهور اختصاص داده‌اند، به‌نوعی همخوانی دارد. والدین ممکن است تلاش کنند تا با استفاده از قوانین و محدودیت‌های غیرمنطقی و رفتارهای نظارتی افراطی و ناهمخوان با سن فرزند بزرگ‌سال خود، فشار زیادی را به او وارد و آزادی عمل او را سلب کنند. در نتیجه فرزندان آن‌ها برای کم کردن این فشارها و دست‌یابی به استقلال مورد نیازشان، به انجام رفتارهای خطرناک روی می‌آورند.

رابطه‌ی مثبت معنادار میان کنترل روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر در نوجوانان با یافته‌های پژوهش شک و لوو (Shek & Law, 2014)، اودکرک (Oudekerk et al., 2014)، روم و متزگر (Romm & Metzger, 2018) و فاهرتی، لوو و ارنت (Faherty et al., 2020) همخوانی دارد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت از آنجا که تحقیقات نشان داده که سطح بالای کنترل روان‌شناختی والدین با کفایت اجتماعی و عزت‌نفس پایین‌تر و سطح بالاتر افسردگی، اضطراب و مشکلات بیرونی در فرزندان در هر سنی همراه است (Abaied & Emond, 2013; Desjardins & Leadbeater, 2017)؛ لذا، ممکن است آن‌ها برای جبران عزت‌نفس از دست رفته خود و یا برای اثبات کردن خود و کفایت اجتماعی خود در میان دوستان و حتی خانواده‌شان، به رفتارهای پرخطری چون سیگار کشیدن، اعتیاد به مواد مخدر، خشونت و... روی آورند. هم‌چنین از آنجا که در کنترل روان‌شناختی از روابط عاطفی میان والدین و فرزند برای کنترل استفاده می‌شود، ممکن است تنظیم هیجان مستقل نیز در فرزندان کمتر به وجود آید. در تبیینی دیگر می‌توان اظهار کرد که با توجه به اینکه کنترل روان‌شناختی والدین با خودتنظیمی ضعیف‌تر در فرزندان همراه است (Moilanen, 2007)، این خودتنظیمی ضعیف‌تر می‌تواند منجر به درگیر شدن آن‌ها در رفتارهای پرخطر در پی آشفتگی‌های هیجانی و عدم توانایی مدیریت هیجانات شود.

رابطه مثبت معنادار میان والدگری هلیکوپتری و رفتارهای پرخطر با نتایج پژوهش کوئی و همکاران (Cui et al., 2019) و مک‌گینلی و داویس (McGinley & Davis, 2020) همخوانی دارد. همان‌طور که گفته شد والدگری هلیکوپتری شامل مجموعه‌ای از سطوح نامناسب کنترل رفتاری و روان‌شناختی، درگیری شدید و مدیریت خرد و کلان والدین بر همه ابعاد زندگی فرزندشان است و با پیامدهایی از جمله اضطراب، افسردگی، خودکارآمدی پایین و مهارت‌های مقابله‌ای ضعیف همراه است (Segrin et al., 2013). بزرگ‌سالان نوظهور برای رهایی از این فشار و احساسات منفی و به دست آوردن کنترل و استقلال بر زندگی خود، ممکن است در مسیر رفتارهای پرخطر قرار گیرند. مهارت‌های ارتباطی و مقابله‌ای ضعیف نیز –که یکی از پیامدهای والدگری هلیکوپتری است– می‌تواند این جوانان را در دام روابط دوستی نامناسب قرار

داده و این هم‌نشینی با همسالان نابهنجار و ضعف در مهارت‌های ارتباطی مانند ابراز وجود، رد کردن تقاضاهای نابه جا، مدیریت هیجانات و... آن‌ها را به سمت انجام رفتارهای پرخطر سوق دهد.

از طرف دیگر نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان عوامل فوق، کنترل روان‌شناختی و رفتاری والدین قادر به پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در نوجوانان است. در تبیین عدم پیش‌بینی کنندگی والدگری هلیکوپتری در مقایسه با کنترل روان‌شناختی، می‌توان گفت ازآنجاکه والدگری هلیکوپتری که با درگیری بیش‌ازحد مشخص می‌شود، هم‌زمان می‌تواند با جنبه‌های مثبت روابط والد- فرزندی از جمله راهنمایی، افشاگری و حمایت عاطفی همراه شود، درحالی‌که کنترل روان‌شناختی به‌طور معکوس با جنبه‌های مثبت والد- فرزندی ارتباط دارد (مثل گرمی، استقلال، محبت، راهنمایی / مشاوره و پشتیبانی)؛ بنابراین، اگرچه والدگری هلیکوپتری برای نوجوانان به‌طور کلی مشکل‌ساز است، اما ترکیب درگیری بیش‌ازحد با جنبه‌های مثبت والدگری ممکن است کمتر از سایر رفتارهای والدینی منفی، مانند کنترل روان‌شناختی، مشکل‌ساز باشد.

محدودیت‌های پژوهش حاضر همچون سایر پژوهش‌ها، احتیاط‌هایی را در مورد تفسیر و تعمیم نتایج می‌طلبد. با توجه به اینکه شرکت‌کنندگان در این پژوهش همگی از دانشجویان (در دوره رشدی بزرگ‌سالی نوظهور) شهرستان کاشان بودند، لذا ممکن است بافت فرهنگی شهر در نتایج این مطالعه تأثیر گذاشته باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی، مسائل فرهنگی نیز در نظر گرفته شود. هم‌چنین جامعه هدف این پژوهش، بزرگ‌سالان نوظهور بوده‌اند و این، تعمیم‌یافته‌ها را به گروه‌های سنی دیگر را محدود می‌سازد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که سلسله کارگاه‌های آموزشی با موضوع فرزند پروری و رابطه والد- فرزندی توسط ارگان‌های مربوط مانند شهرداری و مراکز مشاوره برای والدین برگزار شود. نکته اینکه اصولاً در خصوص الگوهای مناسب ارتباط والدین با فرزندان جوانشان (و یا فرزندان در دوره رشدی بزرگ‌سالی نوظهور) شفاف‌سازی نشده است؛ لذا، نتایج این پژوهش می‌تواند هشداری باشد برای والدین که کنترل‌گری‌های ناهمخوان با سن فرزندشان می‌تواند اثرات سوئی برای آن‌ها به همراه داشته باشد. هم‌چنین به پژوهشگران این حوزه توصیه می‌شود که سایر ابعاد، پیامدها و متغیرهای مرتبط با انواع کنترل‌گری‌های والدینی را - به خصوص در دوره رشدی بزرگ‌سالی نوظهور- بررسی و مطالعه کنند.

**References**


Abaied, J. L., & Emond, C. (2013). Parent psychological control and responses to interpersonal stress in emerging adulthood: Moderating effects of behavioral inhibition and behavioral activation. *Emerging Adulthood*, *1*(4), 258-270.

Adibnia, F., Ahmadi, A., & Mousavi, A. (2016). A review of the causes of the tendency to high-risk behaviors in adolescents. *Social Health and Addiction*, *3*(9), 11-36.

Alboukordi, S., Nazari, A., Nouri R., & Khodadadi, J. (2015). Predictive factors for juvenile delinquency: the role of family structure, parental monitoring and delinquent peers. *International Journal of Criminology and Sociological Theory*, *5*(1), 770-777.

Aunola, K., Stattin, H., & Nurmi, J.-E. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of adolescence*, *23*(2), 205-222.

Azadian Bojnordi, M., Bakhtiarpour, S., makvandi, B., & Ahteshamzadeh, P. (2019). Considering the Mediating Role of Academic Achievement Anxiety in Relationship between parental psychological control and academic engagement in Applicants for university entry. *Culture of Counseling Quarterly and Psychotherapy*, *10*(40), 113-132.

Badan Firooz, A., Tabatabai, M., & Naji, A. (2017). Investigating the Psychometric Characteristics of the Persian Version of the Scale of Dependent, Advanced and Advanced Psychological Control Scale in High School Students. *School Psychology*, *6*(3), 7-22.

Barber, B. K. (1996). Parental psychological control: Revisiting a neglected construct. *Child development*, *67*(6), 3296-3319.

Barber, B. K., Stolz, H. E., Olsen, J. A., Collins, W. A., & Burchinal, M. (2005). Parental support, psychological control, and behavioral control: Assessing relevance across time, culture, and method. *Monographs of the society for research in child development*, i-147.

Bean, R. A., Barber, B. K., & Crane, D. R. (2006). Parental support, behavioral control, and psychological control among African American youth: The relationships to academic grades, delinquency, and depression. *Journal of Family Issues*, *27*(10), 1335-1355.

Bergman, M. M., & Scott, J. (2001). Young adolescents' wellbeing and health-risk behaviours: Gender and socio-economic differences. *Journal of adolescence*, *24*(2), 183-197.

Biabangard, E. (2011). *Adolescent Psychology*. Tehran: Islamic Culture Publishing.

Cui, M., Allen, J. W., Fincham, F. D., May, R. W., & Love, H. (2019). Helicopter parenting, self-regulatory processes, and alcohol use among female college students. *Journal of Adult Development*, *26*(2), 97-104.

Davoodi, M., Dortaj, F., Asadzadeh, H., & Delavar, A. (2018). Parenting in the Mirror of Ghorbat* Culture in Tehran. *Juornal of A Research Journal on Social Work*, *5*(17), 1-27.

Desjardins, T., & Leadbeater, B. J. (2017). Changes in parental emotional support and psychological control in early adulthood: Direct and indirect associations with educational and occupational adjustment. *Emerging Adulthood*, *5*(3), 177-190.

Faherty, A. N., Lowe, K., & Arnett, J. J. (2020). Mind games: Parental psychological control and emerging adults' adjustment. *Journal of Social and Personal Relationships*, *37*(2), 695-714.

Goldstein, A. L., Walton, M. A., Cunningham, R. M., Trowbridge, M. J., & Maio, R. F. (2007). Violence and substance use as risk factors for depressive symptoms among adolescents in an urban emergency department. *Journal of Adolescent Health*, *40*(3), 276-279.

Goldstein, S. E., Davis-Kean, P. E., & Eccles, J. S. (2005). Parents, peers, and problem behavior: a longitudinal investigation of the impact of relationship perceptions and characteristics on the development of adolescent problem behavior. *Developmental psychology*, *41*(2), 401.

Hejazi, E., Soleimany, Z., & Lari, N. (2019). The end of adolescence, the beginning of

adulthood: Formation of a new life stage of emerging adulthood. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, *8*(7), 163-172.

Hosseinian, S., Poorshahriari, M., & Nasrollah Kalantari, F. (2008). The association between mothers' parenting styles and self-esteem in students with and without hearing loss. *Journal of Exceptional Children*, *7*(4), 364-384.

Ju, C., Wu, R., Zhang, B., You, X., & Luo, Y. (2020). Parenting style, coping efficacy, and risk-taking behavior in Chinese young adults. *Journal of Pacific Rim Psychology, 14*, 1-9.

Kins, E., Soenens, B., & Beyers, W. (2012). Parental psychological control and dysfunctional separation–individuation: A tale of two different dynamics. *Journal of adolescence*, *35*(5), 1099-1109.

LeMoyne, T., & Buchanan, T. (2011). Does "hovering" matter? Helicopter parenting and its effect on well-being. *Sociological Spectrum*, *31*(4), 399-418.

Madanipour, A., Rostami, Z., & Madandar, M. (2011). A Comparative Study of Child Rearing Values in Central Asia, the Middle East and North Africa. *Journal of Family Research*, *6*(4), 411-431.

Mahbod, M., & Fouladchang, M. (2018). Academic entitlement in the relationship between parental over-involvement and counterproductive academic child. *Journal of Psychology*, *21*(4).

Manzeske, D. P., & Stright, A. D. (2009). Parenting styles and emotion regulation: The role of behavioral and psychological control during young adulthood. *Journal of Adult Development*, *16*(4), 223.

McGinley, M., & Davis, A. N. (2020). Helicopter Parenting and Drinking Outcomes Among College Students: The Moderating Role of Family Income. *Journal of Adult Development*, 1-16.

Mohammadi, S. A., Sheikh al-Islami, R., & Fooladcheng, M. (2019). Responsibility in emerging adulthood: The role of family communication patterns and identity dimentions. *Applied Counseling*, *9*(2), 1-22.

Moilanen, K. L. (2007). The adolescent self-regulatory inventory: The development and validation of a questionnaire of short-term and long-term self-regulation. *Journal of youth and adolescence*, *36*(6), 835-848.

Nelson, L. J., & Padilla-Walker, L. M. (2013). Flourishing and floundering in emerging adult college students. *Emerging Adulthood*, *1*(1), 67-78.

Okray, Z. (2016). Helicopter parenting and related issues: Psychological well being, basic psychological needs and depression on university students. *Current Research in Education*, *2*(3), 165-173.

Oudekerk, B. A., Allen, J. P., Hafen, C. A., Hessel, E. T., Szwedo, D. E., & Spilker, A. (2014). Maternal and paternal psychological control as moderators of the link between peer attitudes and adolescents' risky sexual behavior. *The Journal of early adolescence*, *34*(4), 413-435.

Padilla-Walker, L. M., & Nelson, L. J. (2012). Black hawk down?: Establishing helicopter parenting as a distinct construct from other forms of parental control during emerging adulthood. *Journal of adolescence*, *35*(5), 1177-1190.

Padilla-Walker, L. M., Nelson, L. J., & Knapp, D. J. (2014). "Because I'm still the parent, that's why!" Parental legitimate authority during emerging adulthood. *Journal of Social and Personal Relationships*, *31*(3), 293-313.

Padilla-Walker, L. M., Son, D., & Nelson, L. J. (2021). Profiles of helicopter parenting,

parental warmth, and psychological control during emerging adulthood. *Emerging Adulthood*, *9*(2), 132-144.

Patock-Peckham, J. A., King, K. M., Morgan-Lopez, A. A., Ulloa, E. C., & Filson Moses, J. M. (2011). Gender-specific mediational links between parenting styles, parental monitoring, impulsiveness, drinking control, and alcohol-related problems. *Journal of studies on alcohol and drugs*, *72*(2), 247-258.

Perry, C. L., Baranowski, T., & Parcel, G. S. (1990). How individuals, environments, and health behavior interact: Social learning theory.

Pordel, H. (2015). The effectiveness of parental monitoring on adolescent risk-taking. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*, *1*(2), 25-33.

Ramezani, P., Abd Khodaee, M. S., Tabibi, Z., & Aghamohammadian, H. R. (2018). Cognitive dimensions of parenting styles of Iranian parents: A Qualitative Study. *Journal of Cognitive Psychology*, *3*(6), 21-30.

Romm, K. F., Barry, C. M., & Alvis, L. M. (2020). How the Rich Get Riskier: Parenting and Higher-SES Emerging Adults' Risk Behaviors. *Journal of Adult Development*, 1-13.

Romm, K. F., & Metzger, A. (2018). Parental psychological control and adolescent problem behaviors: The role of depressive symptoms. *Journal of Child and Family Studies*, *27*(7), 2206-2216.

Sandi, F., Salehi, I., Kafi, M., & Rezayi, S. (2013). The relationship between perceived parenting styles andidentity styles with self-esteem in high school girl students. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, *2*(2).

Schiffrin, H. H., Liss, M., Miles-McLean, H., Geary, K. A., Erchull, M. J., & Tashner, T. (2014). Helping or hovering? The effects of helicopter parenting on college students' well-being. *Journal of Child and Family Studies*, *23*(3), 548-557.

Segrin, C., Woszidlo, A., Givertz, M., & Montgomery, N. (2013). Parent and child traits associated with overparenting. *Journal of Social and Clinical Psychology*, *32*(6), 569-595.

Sharifi, H., Sharifi, N. (2019). *Principles of psychometrics and psychoanalysis*. Tehran: Roshd Publication.

Shek, D. T., & Law, M. Y. (2014). Parental behavioral control, parental psychological control and parent-child relational qualities: relationships to Chinese adolescent risk behavior. In *Chinese adolescents in Hong Kong* (pp. 51-69). Springer.

Shokri, N., Yusefi, M., Safaye Rad, I., Akbari, T., Musavi, S., & Nazari, H. (2015). Correlation between risky behaviors in the pre-university adolescent students in Hamadan with Parents' child raising method [Research]. *Journal of Health Promotion Management*, *5*(1), 73-82.

Sigelman, C. K., & Rider, E. A. (2018). *Human development across the life span*. Australia: Cengage Learning.

Soenens, B., Vansteenkiste, M., & Luyten, P. (2010). Toward a domain-specific approach to the study of parental psychological control: Distinguishing between dependency-oriented and achievement-oriented psychological control. *Journal of personality*, *78*(1), 217-256.

Swadi, H. (2000). Individual risk factors for adolescent substance use. . *Drug and Alcohol Dependence*, , *55*, 209-224.

Tanner, J. L. (2006). Recentering During Emerging Adulthood: A Critical Turning Point in Life Span Human Development.

Tilton-Weaver, L. C., Burk, W. J., Kerr, M., & Stattin, H. (2013). Can parental monitoring

and peer management reduce the selection or influence of delinquent peers? Testing the question using a dynamic social network approach. *Developmental psychology*, *49*(11), 2057.

Willoughby, B. J., Hersh, J. N., Padilla-Walker, L. M., & Nelson, L. J. (2015). “Back off”! Helicopter parenting and a retreat from marriage among emerging adults. *Journal of Family Issues*, *36*(5), 669-692.

Zade Mohammadi, A., Ahmadabadi, Z., & Heidari, M. (2010). Development and evaluation of psychometric characteristics of the risk scale of Iranian adolescents. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology (Thought and Behavior)*, *17*, 218-225.